

ارائه چهارچوبی برای ارتقای سواد اخلاقی دانش آموزان دوره دوم متوسطه نقیسه قاسمی زرگر^۱، پروش جعفری^۲، فاطمه احمدی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه چهارچوبی برای ارتقای سواد اخلاقی در میان دانش آموزان دوره دوم متوسطه انجام شد. در پژوهش حاضر از رویکرد آمیخته، طرح اکتشافی از نوع ابزار سازی استفاده شده است. به این ترتیب که ابتدا به منظور شناسایی ابعاد و مولفه های سواد اخلاقی، پس از مطالعه متون مرتبط و مصاحبه نیمه ساختمند، سه بعد اصلی و ۴۷ شاخص شناسایی شدند و براساس آن پرسشنامه سواد اخلاقی تدوین شد و وضع موجود سواد اخلاقی براساس آن مورد ارزیابی قرار گرفت. در بخش کیفی ۲۰ نفر از مدیران و معلمان مجموعه مدارس سلام به شیوه در دسترس و در بخش کمی ۲۳۳ نفر دانش آموز پایه یازدهم همین مدارس به شیوه نمونه گیری خوشه ای انتخاب و در تحقیق مشارکت داده شدند به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، از روایی صوری، محتوا و سازه استفاده شد. برای محاسبه پایایی، نیز از دو روش آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد. ضرایب گویه ها بالای ۰/۷ محاسبه شد. تحلیل داده های کیفی از طریق تحلیل مضمون و داده های کمی از طریق آزمون t تک نمونه ای و مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار spss و Lisrel انجام شد. یافته های حاصل از تحلیل داده های کیفی و کمی منجر به تعیین سه بعد اصلی حساسیت اخلاقی، استدلال ورزی اخلاقی و تخیل اخلاقی و ۴۷ شاخص شد. همچنین یافته ها نشان داد سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه، در حد متوسط و بالاتر از متوسط قرار دارد.

کلید واژه ها: سواد اخلاقی، حساسیت اخلاقی، استدلال ورزی اخلاقی، تخیل اخلاقی.

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۶/۲۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۶

^۱ - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

n.ghasemizargar@gmail.com

^۲ - دکتری مدیریت آموزشی، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

pjaafari@yahoo.com

^۳ - هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار f.ahmadi@yahoo.com

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و به جمع‌گرایی دارد و حضور در جامعه‌ای سالم، نقش موثری در رشد و بالندگی او دارد و رعایت اخلاق توسط اعضای جامعه، رکن اساسی تشکیل جامعه‌ای سالم می‌باشد. زیرا انسانیت افراد وقتی شکل می‌گیرد که ارزش‌های اخلاقی در وجود آنها متبلور شده باشند. نظریه پردازان اوایل قرن بیستم، اخلاق را وسیله رشد اجتماعی به شمار آورده‌اند. در واقع، اخلاق، مجموعه‌ای از عناصر در ارتباط با یکدیگر است که روابط اجتماعی انسان‌ها در جامعه را، تنظیم می‌کند. اخلاق، در تمام ابعاد زندگی، اعضای جامعه را به یکدیگر وصل می‌کند (آراسته، ۱۳۸۹). مفهوم اخلاق در روانشناسی، به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی می‌باشد. این مفهوم، به یک سلسله ارزش‌ها و باورهای درونی اطلاق می‌شود که به عنوان یکی از عوامل مهار کننده عمل می‌کند. به این ترتیب وجدان از یک قضاوت ساده نسبت به درست و نادرست فراتر می‌رود و به مقام تشخیص و به کار بستن اصول، تکالیف و قوانین اخلاقی می‌رسد (کدیور، ۱۳۷۸). در حقیقت بسیاری از رفتارهای انسان، ریشه در اصول و ارزش‌های اخلاقی دارد و از آن متأثر می‌شود. بر همین اساس است که بررسی و شناسایی روش‌های آموزش اخلاق، کمک شایان توجهی به گسترش آن در جامعه می‌نماید (دوریس و استیج^۱، ۲۰۰۵). به نقل از چمپل نژاد و ذاکری، (۱۳۹۵). کمبود و نارسایی‌ها در زمینه‌های تربیتی، اخلاقی، معنوی و آموزشی و همانندسازی‌های غلط با خانواده و همسالان از زمینه‌های مهم و موثر گرایش نوجوانان به رفتارهای خلاف قانون، عدم مسئولیت‌پذیری و گرایش به بزه است. بنابراین، آموزش اخلاق و رشد آن در کودکان و نوجوانان و انتخاب مناسب‌ترین شیوه برای انتقال مفاهیم اخلاقی ضرورت و اهمیت می‌یابد (اکبریان، ۱۳۹۶). پژوهش‌های محققان تعلیم و تربیت نشان داده‌اند که به هر دلیل اخلاقیات را نیاموخته‌اند در معرض خطرهای جدی قرار دارند. این کودکان به دلیل وجدان متزلزل، ضعف در مهار کردن امیال، رشدنیافتگی حساسیت‌های اخلاقی و باورهای که به گونه‌ای نادرست هدایت شده، تا حد زیادی به عقب افتادگی اخلاقی و اجتماعی دچار و در بزرگسالی به شخصیت‌های نابهنجار و ناموفق تبدیل می‌شوند (ملایی، ۱۳۹۶).

¹- Doris & Stage

اخلاقیات، آموختنی و قابل یادگیری است و از طریق تربیت به کودکان منتقل می‌شود و بهترین زمان آن در فرزندان از دوره نوزادی تا پایان نوجوانی است و تعلق در این زمینه موجب ضعف بالقوه‌ی کودکان در یادگیری فضایل اخلاقی و ایجاد عادات مخرب می‌شود (آراسته، ۱۳۸۹). جو اخلاقی که کودکان امروزه در آن قرار دارند، از لحاظ پرورش هوش اخلاقی مسموم است. زیرا برخی عوامل اجتماعی مهم که منش اخلاقی را پرورش می‌دهند، به تدریج در حال از هم پاشیدگی هستند. از جمله، نظارت بزرگسالان، سرمشق‌های رفتار اخلاقی، روابط معنادار بزرگسالان با هم و تربیت مناسب فرزندان. علاوه بر آن فرزندان ما دائما در معرض بمباران از سوی پیام‌های بیرونی هستند که با ارزش‌هایی که ما سعی می‌کنیم به آنها القا کنیم، مغایرند. هردو عامل، به شدت با سقوط اخلاقی فرزندانمان و نیز با ازدست رفتن معصومیتشان، مرتبط‌اند. به همین دلیل، ضروری است که باورهای اخلاقی آنها را به گونه‌ای پرورش دهیم تا خودش حس درونی عمیق و رشد یافته‌ای درباره درست و نادرست داشته باشد تا بتواند در مقابل تاثیرات بیرونی ایستادگی کند (مصطفی پور و فرخی، ۱۳۹۶).

در دنیای کنونی، آموزش و پرورش رایج، تلاش خود را تنها در جهت تغییرات کمی یا انباشتگی دانش و افزایش کمی میزان آن و همچنین بالا بردن مهارت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند به همین خاطر به امور مربوط به تحولات درونی دانش آموزان مانند درونی شدن ارزش‌های اخلاقی، توجه چندانی نشان نداده است (سندگل، ۱۳۹۰). شیوه‌های آموزش اخلاق می‌بایست از حالت سنتی خود یعنی موعظه و نصیحت خارج شود و به شکل مباحث معمایی ارائه شود تا دانش آموزان تلویحا مفروضه‌ها، باورها و اندیشه‌های اخلاقی قبلی خود را به چالش بکشند و به منظور غلبه بر ناهماهنگی شناختی ایجاد شده، خود را ملزم کنند تا دیدگاه‌های دیگران را در نظر بگیرند و بدین ترتیب زمینه برای افزایش سطح قضاوت اخلاقی آنان فراهم آید (فرید، سعدی پور، کریمی و فلسفی نژاد، ۱۳۸۹).

هر دانشمند و پژوهشگر و به طور کلی هر انسانی باید قداست اخلاقی و نیک‌اندیشی را در درون فکر خود پرورش داده باشد و گرنه، قوانین و مقررات هرگز نخواهند توانست او را به این ملاحظات اخلاقی مجبور کنند. این امر مهم و بنیادی، نیاز به آموزش از دوران کودکی و از دامان خانواده تا مدرسه و دانشگاه و اجتماع را نشان می‌دهد (فرهود، ۱۳۸۶). با توجه به این

ضرورت، رویکرد سواد اخلاقی با هدف بازگرداندن تربیت اخلاقی به مدرسه (هرمان و توآنا^۱، ۲۰۰۷) تلاش می‌کند تا با تعریف اخلاق در قالب سواد، زمینه‌های قرار گرفتن دوباره آن در متن فعالیت‌های مدرسه ای را فراهم سازد و بحث‌های اخلاق را به درون کلاس راه دهد. هرمان (۲۰۰۷) در کتاب «سواد اخلاقی» و توآنا در مقاله ای با عنوان «مفهوم پردازی سواد اخلاقی» تلاش کردند تا به این مهم معنای دیگری ببخشند. اکتسابی بودن سواد اخلاقی نشان می‌دهد که محتوای آن از جنس مهارت‌های طبیعی موجود در افراد یا مهارت‌های رشد یافته در محیط اجتماعی نیستند، بلکه مهارت‌هایی ویژه هستند که باید با تلاش و روش درست آموخته شوند. سواد اخلاقی دارای رابطه ای تنگاتنگ با هوش اخلاقی است. مارتین و اسلوان^۲ (۲۰۰۸) هوش اخلاقی را بیانگر اعتقاد عمیق و ارزش‌هایی می‌دانند که تمامی افکار و فعالیت‌های فرد را هدایت می‌کند (سجادیه، ۱۳۹۴). در واقع، استفاده از واژه سواد در سواد اخلاقی نوعی تأکید بر ورود اخلاق به مدرسه و لزوم داشتن برنامه برای تقویت آن است. بنابراین، تجربه و تمرین، جهت نهادینه‌سازی توانش‌های مورد نیاز برای دادن اخلاقی بودن تصمیم‌گیری‌ها از جمله عناصر اساسی سواد اخلاقی به شمار می‌روند (طولایی، ۱۳۹۵).

تحقیقات متعددی در زمینه آموزش و لزوم تربیت اخلاقی انجام شده است که هر کدام جنبه ای از اخلاق را مدنظر قرار داده اند. پیانگ تان، نوربانو و زورآنی (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان "ارزش‌های اخلاقی و شهروندان خوب در جامعه چند قومی: تحلیل محتوای کتاب‌های آموزش اخلاق در مالزی" بیان نموده اند یکی از مهمترین نقش‌های مدارس این است که دانش‌آموزان را قادر سازد که شهروندانی خوب شوند و قادر به شرکت در امور عمومی جامعه باشند. لیوسیوی و آندورنی^۳ (۲۰۱۶) در مقاله ای تحت عنوان "ارزیابی اثربخشی روش‌های معلمان در تعریف در آموزش اخلاقی" بیان داشته اند که ایده آموزش بدون در نظر گرفتن ارزش‌های اخلاقی در مدارس ممکن است به فساد گسترده منجر شود. کلیپا و میرلا لورگا^۴ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «نقش مشارکت مدرسه و خانواده در توسعه اخلاقی» به این نتیجه رسیدند خانواده و مدرسه

^۱ - Herman & Tuana

^۲ - Martin & Sloan

^۳ - Lisievici & Andronie

^۴ - Mirela Iorga & Clipa

فاکتورهایی بسیار مهم در شکل‌گیری اخلاقیات دانش‌آموزان هستند. این پژوهش توانسته اثبات کند که این مشارکت می‌تواند اثری مثبت بر روی دانش‌آموزان داشته باشد. توآنا^۱ (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی مفاهیم سواد اخلاقی" بیان داشته است جوان بودن مفهوم سواد اخلاقی باعث شده تا در خصوص تعریف و مولفه‌های معنایی آن نوعی اشتراک نظر عمومی وجود داشته باشد و دامنه بررسی چندان وسعت نیابد. مفهوم سواد اخلاقی را می‌توان شامل سه بعد اساسی: حساسیت اخلاقی، مهارتهای استدلال و ارزی اخلاقی و تخیل اخلاقی دانست. با وجود این، او بر این نکته تأکید می‌ورزد که نباید این مولفه‌ها را در مقام اموری مجزا به شمار آورد.

نتایج پژوهش طولابی (۱۳۹۵) با عنوان «رابطه سواد اخلاقی، تعامل استاد/دانشجو و توانمندسازی روانشناختی دانشجویان» نشان داد که از بین مؤلفه‌های سواد اخلاقی، دو مؤلفه حساسیت اخلاقی و تخیل اخلاقی رابطه قوی با توانمندسازی دانشجویان دارند و مؤلفه استدلال و ارزی اخلاقی، رابطه معنی‌داری با تعامل استاد/دانشجو دارند. چمن‌نژاد و شه‌پری‌ذاکری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «واکاوی مولفه‌های تأثیرگذار بر اخلاق‌مداری در آموزش و پرورش» به این نتیجه رسیدند که آموزش و پرورش اخلاق‌مدار، نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت روانی جامعه دارد. اهداف کلی و جزئی، مقررات و ضوابط آموزش و اداری، محتوای تدوین شده در کتب درسی، معلم، مدرسه، گروه همسالان از جمله تأثیرگذارترین مولفه‌ها در تثبیت آموزش و پرورش اسلامی اخلاق‌گرا در کشور ما هستند. سجادیه (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی رویکرد سواد اخلاقی از منظر عاملیت انسانی» نشان داد که در سالهای اخیر مفهومی با نام «سواد اخلاقی» مطرح شده و متناظر با آن رویکردی در تربیت اخلاقی شکل گرفته که تلاش دارد با تعریف اخلاق در قالب مفهوم سواد، آن را به مدرسه بازگرداند. تحلیل منطقی این ترکیب مفهومی نشان داد که در این ترکیب، مؤلفه‌هایی چون صلاحیت، دانش و اکتساب باید هم‌نشین مؤلفه‌هایی چون قاعده، ارزش و کنش انسانی باشند. رئیس‌پور و فرقانی اوزرودی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «میزان اثربخشی مدرسه بر توسعه اخلاقی دانش‌آموزان» به این نتیجه رسیدند که تعهد معلمین به قوانین و مقررات مدرسه، آموزش مهارت خود‌کنترلی و تسلط بر نفس در مدرسه، توجیه مدیر مدرسه در زمان اشتباه دانش

^۱ -Tuana

آموزان، اعتراف به اشتباه مسئولین مدرسه و تشویق نفرات ممتاز علمی و اخلاقی در توسعه اخلاقی دانش آموزان بیشترین تأثیر دارند.

با توجه به مبانی نظری پژوهش مبنی بر اهمیت و ضرورت ورود سواد اخلاقی به مدارس و آموزش اخلاقیات به دانش آموزان، این پژوهش با هدف ارائه چهارچوبی برای ارتقای سواد اخلاقی دانش آموزان دوره دوم متوسطه به کمک شناخت ابعاد و مولفه‌های سواد اخلاقی، بررسی وضعیت موجود سواد اخلاقی دانش آموزان و ارائه ساز و کارهای ارتقای آن انجام شد.

سوالات تحقیق

- ۱) ابعاد و مولفه‌های سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه کدامند؟
- ۲) وضع موجود سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه چگونه است؟
- ۳) سازو کارهای ارتقای سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه کدام است؟
- ۴) چه چارچوبی را می‌توان برای ارتقای سواد اخلاقی دانش آموزان ارائه داد؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، آمیخته، طرح اکتشافی از نوع ابزارسازی بوده است. بدین ترتیب که از بررسی متون مرتبط و مصاحبه نیمه ساختمند (بخش کیفی)، ابعاد و مولفه‌ها (سه بعد و ۴۷ مولفه) استخراج گردید و سپس بر اساس موارد استخراج شده، ابزار پژوهش (پرسشنامه) ساخته شد و بر اساس آن، وضعیت موجود سواد اخلاقی دانش آموزان مورد ارزیابی قرار گرفت. در پایان نیز با توجه به وضع موجود و داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختمند و بررسی متون، سازو کارهای ارتقاء سواد اخلاقی ارائه شد. شرکت کنندگان این پژوهش را در بخش کیفی، معلمان و مدیران مقطع متوسطه ی دوم مجموعه مدارس پسرانه ی سلام در شهر تهران و متون مرتبط با حوزه اخلاق، سواد اخلاقی و هوش اخلاقی، و در بخش کمی (وضعیت سواد اخلاقی دانش آموزان)، دانش آموزان پایه ی یازدهم دوره متوسطه ی در مجموعه مدارس پسرانه ی سلام در شهر تهران تشکیل دادند. تعداد دانش آموزان پایه یازدهم این مجموعه مدارس در سال تحصیلی ۹۶-۹۷، طبق آخرین آمار دریافت شده، شامل ۶۰۰ نفر تشکیل دادند. در بخش کمی، تعیین حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران انجام پذیرفته است. بر اساس این فرمول و با توجه به تعداد جامعه آماری، حجم نمونه ۲۳۳ نفر تعیین گردیده است. برای انتخاب نمونه، از

روش نمونه گیری خوشه ای تک مرحله ای استفاده شده است. به این ترتیب که از هر پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب، شمال و مرکز این مجموعه مدارس، در پایه متوسطه دوره دوم، یک مدرسه، انتخاب شده و سپس پرسشنامه‌ها در اختیار دانش آموزان مدارس منتخب قرار داده شده اند. در بخش کیفی، نمونه گیری به روش نمونه در دسترس صورت گرفت و حجم نمونه براساس اصل اشباع داده‌ها، با ۲۰ نفر نمونه گیری متوقف شد. برای جمع آوری داده‌ها در این پژوهش از پرسشنامه‌ی محقق ساخته سواد اخلاقی و مصاحبه نیمه ساختمند استفاده شده است. پرسشنامه سواد اخلاقی بر اساس مصاحبه نیمه ساختمند و متون مرتبط به ویژه مدل توآنا (۲۰۰۷) و پرسشنامه هوش اخلاقی لنینک و کیل، تدوین شد. پرسشنامه تدوین شده شامل ۴۷ گویه و ۳ بعد می‌باشد. همچنین به منظور شناسایی ساز و کارهای ارتقای سواد اخلاقی، مصاحبه نیمه ساختمند براساس چهار سوال اجرا شده است. جهت بررسی روایی صوری پرسشنامه، به اجرای آزمایشی آن مبادرت ورزیده شد و به منظور بررسی روایی محتوایی پرسشنامه، از قضاوت خبرگان و روایی سازه، از تحلیل عاملی استفاده شد. همچنین جهت بررسی پایایی آن، از روش محاسبه آلفای کرونباخ بهره برده شد که نتایج آن به ترتیب برای حساسیت اخلاقی ۰/۸۱۸، استدلال ورزی اخلاقی ۰/۷۷۵ و تخیل اخلاقی ۰/۸۴۸ و برای کل ۰/۹۲۲ به دست آمد.

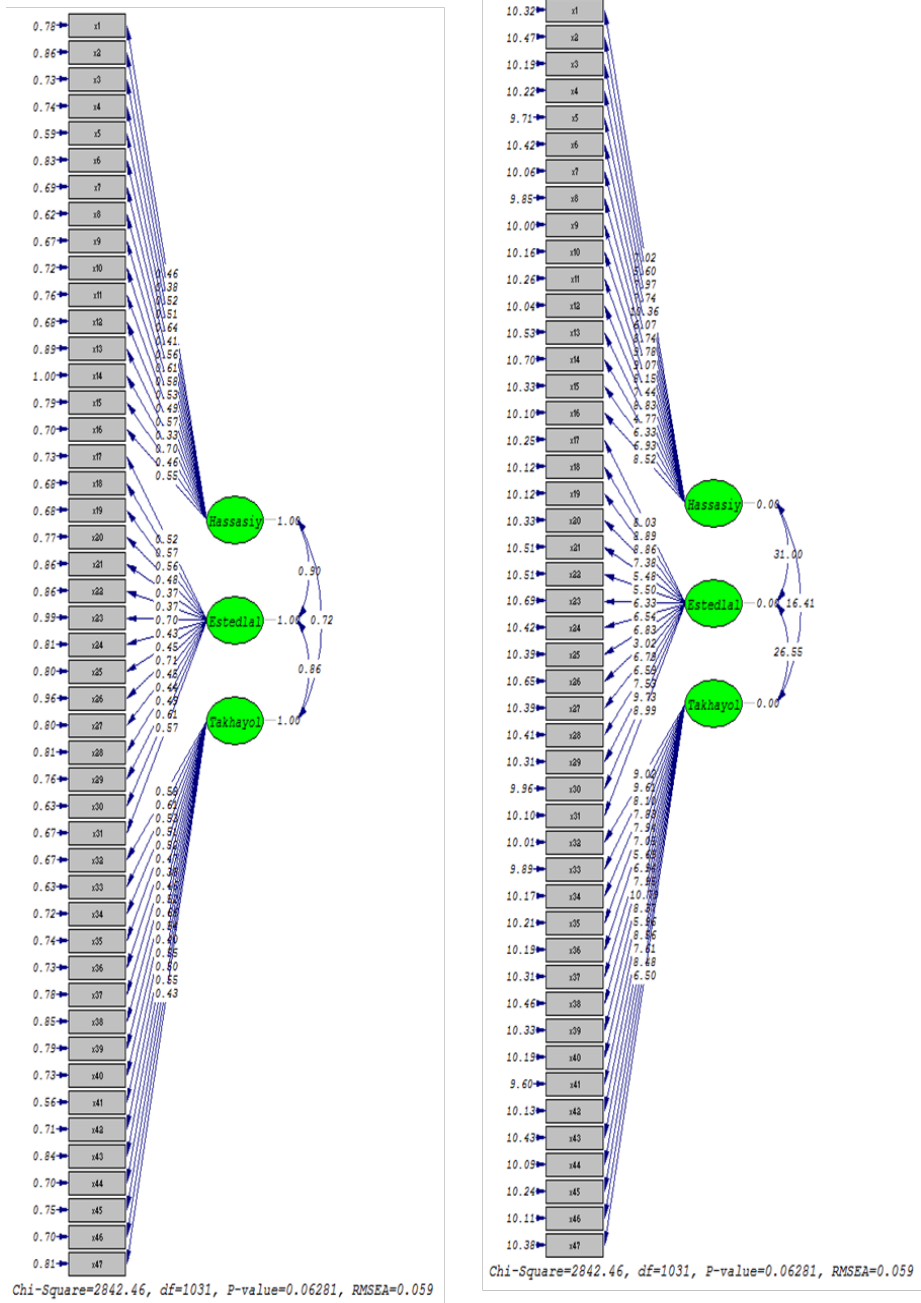
در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از گرد آوری پرسشنامه‌ها، داده‌های حاصله در نرم افزار SPSS و Lisrel وارد شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در قسمت آمار استنباطی از آزمون t تک نمونه ای و از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی استفاده شد. همچنین در بخش کیفی به منظور تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته از روش تحلیل مضمون استفاده گردید.

یافته‌ها

سوال اول: ابعاد و مولفه‌های سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه

کدامند؟

برای پاسخگویی به این سوال، بر اساس مرور ادبیات و متون مرتبط و مصاحبه با مدیران و معلمان مدارس، سه بعد اساسی سواد اخلاقی: ۱- حساسیت اخلاقی، ۲- استدلال ورزی اخلاقی و ۳- تخیل اخلاقی و ۴۷ مولفه بدست آمد و در قالب پرسشنامه محقق ساخته اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مولفه‌ها در نمودار ۱ آورده شده است.



نمودار ۱.۱. بار عاملی مولفه های سواد اخلاقی

سوال دوم: وضع موجود سواد اخلاقی دانش آموزان دوره دوم متوسطه چگونه است؟

همانطور که در جدول زیر مشاهده می‌کنید، برای ابعاد سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه، بیشترین میانگین مربوط به بعد «حساسیت اخلاقی» و کمترین میانگین مربوط به بعد «تخیل اخلاقی» می‌باشد. از نظر چولگی و کشیدگی عوامل فوق در بازه قابل قبولی قرار دارند و می‌توان ادعا نمود که توزیع آنها نرمال باشد که این کار در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جدول ۱. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ابعاد سواد اخلاقی

بعد	حساسیت اخلاقی	استدلال‌ورزی اخلاقی	تخیل اخلاقی
میانگین	3/667	3/482	3/467
انحراف معیار	0/548	0/529	0/577
چولگی	-0/066	-0/569	-0/312
کشیدگی	0/751	0/929	0/049
کمینه مقدار	۱	۱	۱
بیشینه مقدار	۵	۵	۵

همانطور که جدول نشان می‌دهد، برای ابعاد سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه، بیشترین میانگین مربوط به بعد «حساسیت اخلاقی» و کمترین میانگین مربوط به بعد «تخیل اخلاقی» می‌باشد. از نظر چولگی و کشیدگی عوامل فوق در بازه قابل قبولی قرار دارند و می‌توان ادعا نمود که توزیع آنها نرمال باشد که این کار در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش، با استفاده از آزمون‌های کولموگروف - اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول منعکس شده است.

جدول ۲. خلاصه آزمون شاپیرو ویلک و کولموگروف - اسمیرنوف ابعاد مستخرجه

بعد	کولموگروف - اسمیرنوف	شاپیرو - ویلک
حساسیت اخلاقی	0/135	۲۳۰
استدلال‌ورزی اخلاقی	0/148	۲۳۰
تخیل اخلاقی	0/131	۲۳۰

چنانکه در اطلاعات جدول مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری در همه متغیرها بزرگتر از ۰,۰۵ می‌باشد، به عبارت دیگر توزیع مربوط به همه عوامل، نرمال می‌باشد.

همچنین برای آزمون t تک نمونه ای، با توجه به اینکه مقیاس ۵ درجه ای است، ارزش عددی برای مقایسه با آماره تی را عدد ۳ در نظر گرفته شد. نتیجه آزمون تی تک نمونه ای در جدول آورده شده است.

جدول ۳. آزمون تی تک نمونه ای به منظور بررسی وضعیت موجود

اخلاق حرفه ای		ارزش آزمون=۳			
مقدار تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
		حد پایین		حد بالا	
۱۸/۴۴۳	۲۲۹	۰/۰۰۰	۰/۶۶۷	۰/۵۶۹	۰/۷۳۸
۱۳/۷۹۲	۲۲۹	۰/۰۰۰	۰/۴۸۱	۰/۴۱۳	۰/۵۵۰
۱۲/۲۸۱	۲۲۹	۰/۰۰۰	۰/۴۶۷	۰/۳۹۲	۰/۵۴۲

همان طور که در جدول مشاهده می شود، سطح معناداری در همه مولفه ها کمتر از پنج صدم می باشد. بنابراین، فرض صفر برای همه آنها، با ۹۵ درصد اطمینان رد و فرض پژوهش تأیید می شود. با توجه به اینکه اختلاف میانگین برای تمام ابعاد، مثبت است، بنابراین میانگین مشاهده شده برای آنها در حد متوسط و کمی بالاتر از متوسط قرار دارد.

سوال سوم: سازو کارهای ارتقای سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه کدام است؟

به طور کلی بر اساس پیشینه پژوهش، بررسی متون، مصاحبه با معلمان و مدیران و نیز تجزیه و تحلیل وضعیت سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه، سازو کارهای اجرایی برای ارتقای سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه در مدرسه و خانواده بدست آمدند که در شکل ۱، چارچوب ارتقای سواد اخلاقی آورده شده اند.



شکل ۱. چارچوب ارتقاء سواد اخلاقی دانش آموزان

بحث و نتیجه گیری

رشد اخلاقی دانش آموزان، هیچگاه امری مفروض و غیرقابل تغییر به شمار نیامده است. این امر باعث شده تا همواره مربیان به دنبال راهی برای ارتقای این رشد باشند. در این میان، رویکرد

سواد اخلاقی، با هدف بازگرداندن تربیت اخلاقی به مدرسه تلاش می‌کند تا با بازتعریف اخلاق در قالب سواد، زمینه‌های قرارگیری دوباره آن در متن فعالیت‌های مدرسه‌ای را فراهم سازد و بحث‌های اخلاقی را به درون کلاس راه دهد. این پژوهش با هدف ارائه‌ی چهارچوبی برای ارتقای سواد اخلاقی دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌ی دوم انجام شد. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ای کیفی و کمی نشان داد سواد اخلاقی را می‌توان در سه بعد حساسیت اخلاقی، تخیل اخلاقی و استدلال ورزی اخلاقی تعریف نمود. این یافته بر تقسیم‌بندی توانا (۲۰۰۷) مطابقت دارد. براساس این تقسیم‌بندی، ۴۷ مولفه برای این سه بعد بدست آمد. یکی از ابعاد سواد اخلاقی، بعد حساسیت اخلاقی است. حساسیت اخلاقی در مورد حساسیت و توجه به اخلاق صحبت می‌کند. طبق یافته‌های پژوهش، دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که نسبت به اخلاقیات و اجرای اصول اخلاقی در مدرسه و جامعه تعصب داشته باشند و به راحتی از کنار مسایل غیر اخلاقی نگذرند. بعد دیگری که به آن پرداخته شد، بعد استدلال ورزی اخلاقی است. پیازه^۱ استدلال اخلاقی را، فرایند داوری آگاهانه درباره خوب یا بدی کنش‌های انسان تعریف می‌کند. بعد دیگر و مهم سواد اخلاقی، بعد تخیل اخلاقی است. تخیل، می‌تواند از مرزهای زمان حال فراتر رود و امکان‌هایی را در آینده تصویر کند. این امکان‌های متعدد، گزینه‌های مختلفی را پیش روی عمل دانش‌آموز قرار می‌دهند و او را از نگاه تک مؤلفه‌ای رهایی می‌بخشند.

در این خصوص، برخی یافته‌های حاصل از پژوهش‌های انجام شده با یافته پژوهش حاضر همخوانی دارد، از آن جمله می‌توان به پژوهش طولابی (۱۳۹۵) اشاره کرد. وی به این نتیجه رسید که از بین مؤلفه‌های سواد اخلاقی دو مؤلفه حساسیت اخلاقی و تخیل اخلاقی رابطه قوی با توانمندسازی دانشجویان دارند و مؤلفه استدلال ورزی اخلاقی رابطه معنی‌داری با تعامل استاد/دانشجو دارند. سجادیه (۱۳۹۴) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در سال‌های اخیر مفهومی با نام «سواد اخلاقی» مطرح شده و متناظر با آن رویکردی در تربیت اخلاقی شکل گرفته که تلاش دارد با تعریف اخلاق در قالب مفهوم سواد، آن را به مدرسه بازگرداند. تحلیل زبان فنی-رسمی این حوزه نشان از حضور سه مؤلفه حساسیت اخلاقی، استدلال ورزی اخلاقی و تخیل اخلاقی در مقام مؤلفه‌های سازنده آن دارد. همچنین طبق نظر مرادی مخلص، حیدری و علی بخشی (۱۳۹۶)، سواد اخلاقی بازتعریفی از اصول، قواعد و ارزش‌های اخلاقی است که در سایه آنها روابط تقویت

می‌شود. سواد اخلاقی علاوه بر مهارت‌ها بر فرآیند چگونگی کسب و پرورش آنها متمرکز شده است و اغلب به فرایندهای درونی، فرایندهای اجتماعی و تعامل بین این دو ارجاع داده می‌شود. همچنین عوامل مختلفی مانند خانواده، فرهنگ، رسانه و آموزش و پرورش بر آن تاثیر گذار است. همچنین مطلق (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان « اثر داستان‌های معماگونه بر رشد قضاوت اخلاقی دانش پایه پنجم ابتدایی» نشان داد که داستانهای معماگونه بر تخیل اخلاقی دانش آموزان تاثیر دارد. توآنا (۲۰۰۷) نیز، در پژوهشی بیان داشته است جوان بودن مفهوم سواد اخلاقی باعث شده تا در خصوص تعریف و مولفه‌های معنایی آن نوعی اشتراک نظر عمومی وجود داشته باشد و دامنه بررسی چندان وسعت نیابد. مفهوم سواد اخلاقی را می‌توان شامل سه بعد اساسی: حساسیت اخلاقی، مهارتهای استدلال و ارزی اخلاقی و تخیل اخلاقی دانست.

در مورد یافته‌های مبنی بر وضعیت موجود مولفه‌های سواد اخلاقی باید عنوان کرد که با توجه به مثبت بودن اختلاف میانگین، ابعاد سواد اخلاقی در بین دانش آموزان از وضعیت متوسطی برخوردار است. برای ابعاد سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه، بیشترین میانگین مربوط به بعد «حساسیت اخلاقی» و کمترین میانگین مربوط به بعد «تخیل اخلاقی» می‌باشد. در این خصوص، برخی یافته‌های حاصل از پژوهشهای انجام شده با یافته پژوهش‌های حاضر همخوانی دارد، از آن جمله می‌توان به پژوهش جهانیان، ساعی و طیبا (۱۳۹۲) اشاره کرد. آنان به این نتیجه رسیدند که مولفه‌های هوش اخلاقی در میان دانشجویان در حد بالای متوسط است.

در ادامه با بررسی سوال سوم پژوهش مبنی بر سازوکارهای ارتقای سواد اخلاقی، باید عنوان کرد که بر اساس پیشینه پژوهش، متون مرتبط، مصاحبه با معلمان و مدیران و نیز تجزیه و تحلیل وضعیت سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه، ساز و کارهای اجرایی برای ارتقای سواد اخلاقی در دانش آموزان دوره دوم متوسطه، در زمینه‌ی دو شاخص (مدرسه و خانواده) به دست آمدند. نتایج نشان داد اولین و مهمترین عامل تاثیرگذار طبق نظر مصاحبه شونده‌گان، مدرسه است. مدرسه اولین نهاد اجتماعی است که دانش آموزان با آن سرو کار دارند و مسایل آموزشی و پژوهشی زیادی از آن یاد می‌گیرند. اخلاق در مدرسه و نظام تربیت هم نقش هدف را به عهده دارد و هم از سوی دیگر نقش و شأن ابزار موثر و کارآمدی دارد. عامل دوم نیز بسیار بااهمیت است، خانواده می‌باشد. خانواده اولین نهادی است که فرزند در آن به تدریج هویت کسب کرده،

وارد زندگی اجتماعی می‌شود. پایه‌های منش اخلاقی فرد، در پنج سال اول زندگی بنا نهاده می‌شود. تعامل در خانواده و الگوی رفتار پدر و مادر بیشترین تاثیر را در رسیدن فرد به بلوغ عاطفی دارد. در واقع، خانواده مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت فرد و ترسیم چهره‌ای شاداب، موفق و سالم از فرزند دارد. با توجه به پژوهش‌های پیشین، چمپل نژاد و ذاکری (۱۳۹۵) عنوان کردند که آموزش و پرورش اخلاق مدار، نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت روانی جامعه دارد. اهداف کلی و جزئی، مقرارت و ضوابط آموزش و اداری، محتوای تدوین شده در کتب درسی، معلم، مدرسه، گروه همسالان از جمله تاثیرگذارترین مولفه‌ها در تثبیت آموزش و پرورش اسلامی اخلاق‌گرا در کشور ما هستند. پناهی (۱۳۹۴) در پژوهشی بیان کرد که راهکارهایی که جهت رشد تربیت اخلاقی از سوی پاسخگویان مطرح گشت بر نقش معلم، خانواده و رسانه‌های گروهی تاکید کرد تا با دادن الگوی عملی مناسب و ارتقای منزلت معلمان و هماهنگی نمودن تربیت خانواده‌ها و رسانه‌ها با تربیت مدرسه، زمینه‌ی رشد اخلاقی فراهم گردد. نیک‌خواه قمصری و اسمی جوشقانی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دو متغیر مستقل عملکرد خانواده و مدرسه با اخلاق شهروندی ارتباط متقابل و معناداری دارند و سهم خانواده در شکل‌گیری اخلاق شهروندی بیشتر است. فرید و دیگران (۱۳۸۹) روش‌های آموزشی را باعث افزایش و بالا رفتن قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان یافتند. آنها همچنین به این رسیدند که از بین روش‌های آموزشی، آموزش شناختی اخلاق، بیشترین تاثیر را دارد؛ روش آموزش مستقیم بر خلاف پیش‌بینی‌ها جزو روش‌های موثر است؛ روش آموزش تلفیقی نیز می‌تواند سطح قضاوت اخلاقی را افزایش دهد و در نهایت روش شفاف‌سازی ارزش‌ها کم‌اثرترین روش آموزشی شناخته شد. بدری‌گرگری و واحدی (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، موجب آموزش هوش اخلاقی دانش‌آموزان می‌شود. بیلویی و همکاران (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که بالاترین میانگین مولفه‌های اخلاقی، مربوط به مولفه اخلاقی آموزش و پرورش است و با توجه به نتایج حاصل از سطح بالای این مولفه، پیشنهاد می‌شود که اقدامات فرهنگی در جهت بهبود و افزایش سطح مولفه‌های اخلاقی در آموزش و پرورش صورت گیرد. مولچانوف^۱ (۲۰۱۳)، نیز نشان داد که آموزش مدرسه نقش مهمی در کسب هنجارهای اخلاقی ایفا می‌کند و سطح‌گرایی اخلاقی

در کودکان وابستگی مستقیمی به محتوای آموزشی ارایه شده به کودکان و نوع وضعیت اخلاقی موجود در کلیه سطوح مدارس می‌باشد که برای کودکان در نظر گرفته شده است.

منابع

- آراسته، حمید رضا. جعفری راد، علی. عزیزی شمایی، مصطفی. محمدی جوزانی، زهره. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت هوش اخلاقی دانشجویان، **راهبرد فرهنگ**، ۱۱ (۲): ۲۱۴-۲۰۱.
- اکبریان، مجید. (۱۳۹۶). **اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر هوش اخلاقی و مسئولیت‌پذیری در دانش آموزان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات شاهرود.
- بدری گرگری، رحیم. واحدی، زهرا. (۱۳۹۴). تاثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر رشد هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر، **تفکر و کودک**، ۶ (۱۱): ۱۷-۱.
- پنجاهی، ژیللا. (۱۳۹۴). **چالش‌های رشد اخلاقی دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- جهانپان، رمضان. ساعی ارسی، ایرج. طیبیا، مونا. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت هوش اخلاقی و ابعاد و مولفه‌های آن در دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه خوارزمی)، **نشریه علوم رفتاری**، ۵ (۱۵): ۷۲-۵۵.
- چمل نژاد، مرتضی. ذاکری، شه پری. (۱۳۹۵). واکاوی مولفه‌های تاثیرگذار بر اخلاق‌مداری در آموزش و پرورش، **مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی**، ۶ (۴): ۵۸-۴۴.
- حسینی، محمد. (۱۳۹۵). بررسی رویکرد تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی، **دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی**، ۵ (۲۲): ۵۱-۲۵.
- رئیس پور، علی اکبر. فرقانی اوزرودی، محمدباقر. (۱۳۹۱). **میزان اثربخشی مدرسه بر توسعه اخلاقی دانش آموزان**، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و تولید ملی، قم: دانشگاه بیان نور استان خوزستان.
- سجادیه، نرگس. (۱۳۹۴). نقد و بررسی رویکرد سواد اخلاقی از منظر عاملیت انسانی، **مجله پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت**، ۱ (۲): ۸۸-۱۰۹.
- سندگل، مرضیه. (۱۳۹۰). **بررسی کمی و کیفی رشد اخلاقی دانش آموزان در طرح ارزشیابی توصیفی: تاثیر مداخله ای سبک انضباطی معلمان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- طولابی، زینب. (۱۳۹۵). رابطه سواد اخلاقی، تعامل استاد/ دانشجو و توانمندسازی روانشناختی دانشجویان، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، ۱ (۱): ۸-۱.
- فروود، داریوش. (۱۳۸۶). مروری بر تاریخچه اخلاق همراه با گردآوری زمینه‌های گوناگون اخلاق، **فصلنامه ی اخلاق در علوم و فناوری**، ۱ (۲): ۶-۱.

فرید، ابوالفضل. سعدی پور، اسماعیل. کریمی، یوسف. فلسفی نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۹). اثربخشی روش های آموزش مستقیم، آموزش شناختی اخلاق، شفاف سازی ارزش ها و تلفیقی بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان، **فصلنامه علمی- پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز**، ۵ (۱۹): ۹۱-۱۱۱.

مرادی مخلص، حسین. حیدری، جمشید. علی بخشی، مریم. (۱۳۹۶). **سواد اخلاقی بستری جهت کنترل هوش هیجانی در محیط بازی های رایانه ای**، سومین کنفرانس ملی بازی های رایانه ای؛ فرصت ها و چالش ها، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

مصطفی پور، وحید. فرخی، حسین. (۱۳۹۶). **بررسی هفت بعد اساسی هوش اخلاقی و راه های پرورش آن**، پنجمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین. مطلق، عادل. (۱۳۹۰). **اثر داستان های معماگونه اخلاقی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر لاهیجان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

ملایی، حسن. (۱۳۹۶). **رابطه نگرش مذهبی با هوش اخلاقی و مسوولیت پذیری دانش آموزان متوسطه دوم شهر اقلید**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

نیک خواه قمصری، نرگس. اسمی جوشقانی، زهرا. (۱۳۹۲). **نگاهی جامعه شناختی به اخلاق شهروندی در پرتو نقش خانواده و مدرسه (مطالعه موردی شهر کاشان)**، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، ۶ (۱): ۶۶-۵۴. یلسویی، بهاره. مستحفظیان، مینا. مشکاتی، زهره. (۱۳۹۵). **رابطه بین مؤلفه های اخلاقی با ویژگی های شخصیتی، اخلاق در علوم و فناوری**، ۱۱ (۱): ۱۴۴-۱۳۷.

- Clarcken, R. (2009), Moral Intelligence in the Schools, **Moral Intelligence**, 3 (1): 1-7.
- Lisievic, P. Mihai, A. (2016). Teachers Assessing the Effectiveness of Values Clarification Techniques in Moral Education. **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, 217: 400-406.
- Loudová, I, Jan Lašek, T (2015). Parenting Style and its Influence on the Personal and Moral Development of the Child. **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, 174(5):1247-1254.
- Molchanov, S. V. (2013). The Moral Development in Childhood. **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, 86: 615-620.
- Mirela, I. A. Clipa, O (2012), the role of school-family partnership on moral development, **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, 76: 197-203
- Nucci, Larry. (2015). **Moral Development and Education**, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, Second Edition: 775-780.
- Piang Tan, B. Noor Banu, M. Zuraini, J. (2018). Moral values and good citizens in a multi-ethnic society: A content analysis of moral education textbooks in Malaysia, **The Journal of Social Studies Research**, 42 (2):119-134.
- Tuana, N. (2007). Conceptualization moral Literacy. **Journal of Educational Administration**, 45 (4): 364.